Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Vol. 1, No. 3, autumn 2025

Online ISSN: 3060-7515
https://jispll.urmia.ac.ir/

Comparative and confrontational analysis of literary metaphors in Persian and English poetry

Derikvand, Esmat[1]

1- Department of Persian Literature, Lorestan University, Faculty of Literature and Languages. Khorramabad, Iran

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Received:
2024/10/22
Accepted:
2025/04/20
pp:
116- 129

Keywords:
Parvin Etisami;
Sylvia Plath;
metaphor;
literary metaphor

ABSTRACT

The purpose of this research is to investigate literary metaphors in Persian and English texts, compare them, and describe their similarities and differences. Literary language is a language in which words and sentences are usually not used in their original meaning, but take on a figurative sense. Therefore, the theoretical framework used in the science of expression is Persian. Expression in the terms of literature is a set of rules and regulations by means of which a meaning is shown in different ways. The body under investigation consists of a Persian poem (Divan Parvin Etisami) and an English poem (Sylvia Plath). The current research has a qualitative nature, and its type is descriptive-analytical, focusing on Persian and English expressions. In this article, an attempt has been made to discuss the similarities and differences between metaphors in Persian and English rhymes in the field of contemporary poetry. After identifying and examining the literary metaphors in these two works, the similarities and differences between the metaphors should be discussed by analyzing samples of the poems by the mentioned contemporary poets. In this research, it is not necessary to mention all the examples found, and a limited number is provided. This approach allows for the determination of the type of metaphor and the identification of its elements, which are also presented in a table at the end, following an explanation. By examining the given examples; The similarities and differences of metaphor in two languages are shown in such a way that the most obvious similarity between the two; It is used in both languages; Because metaphor in both languages is borrowing something instead of something else, and its basis is simile, and the most important difference between the two can be seen in their divisions. And the difference in its elements between two languages, because in Persian it is examined in detail, and metaphor has four pillars, whereas in English it has two pillars and is studied and used more generally.

Citation: Derikvand, E. (2025). Comparative and confrontational analysis of literary metaphors in Persian and English poetry. Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature, 1(3), 116-129.

© The Author(s).

Publisher: Urmia Univertsity.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2025.55743.1020

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.8.7

[1] **Corresponding author: Derikvand, Esmat, Email: aghagheya75@yahoo.com, Tell: +9809166597020**

نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

شاپا الکترونیکی: ۷۵۱۵-۳۰۶۰

https://jispll.urmia.ac.ir/

تحلیل مقایسه‌ای و مقابله‌ای استعاره‌های ادبی در شعر فارسی و انگلیسی

۱- عصمت دریکوند [۱]

۱- دانشگاه لرستان، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی، خرم‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:
۱۴۰۳/۰۹/۰۲

پذیرش:
۱۴۰۴/۰۱/۳۱

صص:
۱۲۹-۱۱۶

واژگان کلیدی:
پروین اعتصامی،
سیلویا پلات،
استعاره،
استعارهٔ ادبی.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی استعاره‌های ادبی در متون نظم فارسی و انگلیسی و مقایسهٔ آنها و توصیف شباهت‌ها و تفاوت‌های آنهاست. زبان ادبی، زبانی است که در آن معمولاً واژه‌ها و جملات در معنای اصلی به کار نمی‌روند، بلکه معنایی مجازی به خود می‌گیرند. بیان عبارت است از مجموعه قواعد و قوانینی که به وسیلهٔ آنها یک معنی به طرق مختلف نشان داده می‌شود. پیکرهٔ مورد بررسی اثری از شعر فارسی (پروین اعتصامی) و اثری از شعر انگلیسی (گزیدهٔ اشعار سیلویا پلات) است. پژوهش حاضر ماهیتی کیفی داشته و نوع آن توصیفی-تحلیلی در حوزهٔ بیان فارسی و انگلیسی است. در این مقاله سعی شده است به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین استعاره در نظم فارسی و انگلیسی در حوزهٔ شعر معاصر پس از مشخص و بررسی کردن کل استعاره‌های موجود در این دو اثر، با به دست دادن نمونه‌هایی پرداخته شود. در این پژوهش از ذکر تمام نمونه‌های یافته‌شده خودداری شده و تعداد محدودی آورده شده است، بدین صورت که با آوردن تمام بیت، نوع استعارهٔ آن مشخص گشته و ارکان استعاره نیز پس از توضیح آن، به‌صورت جدول در پایان نشان داده شده‌است. با بررسی مثال‌های داده‌شده تشابهات و تفاوت‌های استعاره در دو زبان چنین نشان داده می‌شود که بارزترین تشابه این دو نوع به‌کارگیری آن در هردو زبان است؛ چرا که استعاره در هر دو زبان عاریت گرفتن چیزی به جای چیز دیگریست و اساس آن تشبیه است و مهم‌ترین تفاوت این دو را می‌توان در تقسیم‌بندی‌های این دو و متفاوت بودن ارکان آن در دو زبان دانست؛ چرا که در فارسی به طور جزئی بررسی شده و استعارهٔ در آن دارای چهار رکن است، ولی در انگلیسی دارای دو رکن است و کلی‌تر بررسی و به‌کار گرفته می‌شود.

استناد: دریکوند، عصمت. (۱۴۰۴). تحلیل مقایسه‌ای و مقابله‌ای استعاره‌های ادبی در شعر فارسی و انگلیسی. مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، ۱(۳)، ۱۱۶-۱۲۹.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه ارومیه.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2025.55743.1020

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.3.8.7

[۱] **نویسنده مسئول:** عصمت دریکوند، **پست الکترونیکی:** aghagheya75@yahoo.com ، **تلفن:** ۰۹۱۶۶۵۹۷۰۲۰

۱– مقدمه

«هدف شعر، آشکارا و بی‌هیچ ابهامی، عبارت است از تأثیر نهادن بر عواطف؛ و از همین راه است که شعر به طور کامل از آن چیزی متمایز می‌گردد که وردزورث تأکید دارد ثابت کند که ازلحاظ منطقی نقطهٔ مقابل آن است؛ این نقطهٔ مقابل نثر نیست، بلکه امر واقع یا علم است. یکی تمام توجّهش به فکر و اندیشه است و دیگری به احساسات» (برِت،۱۳۸۶: ۹۶). یکی از دقیق‌ترین تعریف‌ها از شعر تعریف ارسطو است که در همهٔ کتاب‌های منطق دورهٔ اسلامی شعر را کلامی مخیل دانسته و بنیاد آن را تخیل دانسته‌اند (شفیعی کدکنی،۱۳۷۲: ۲۸) و آنچه در شعر و با توسعه‌ای بیشتر در حوزهٔ ادب، به‌عنوان عامل بیانی مطرح است و در نظر قدما مادهٔ اصلی مباحث علم بیان را تشکیل می‌داده است، عنصر خیال یا شیوهٔ تصرف گوینده در ادای معانی است و علمای بلاغت در ادوار مختلف همواره کوشیده‌اند که این امکانات مختلف را در حوزهٔ تعریف‌ها و در جدول اصطلاحات خاص خود محدود کنند. (همان: ۴۰) بحث از این تصویرهای شاعرانه، موضوع علم بیان است. در قدیم بررسی این تصویرها را در چهار مقولهٔ مجاز و تشبیه و استعاره و کنایه محدود کرده‌بودند. (شمیسا،۱۳۸۱: ۱۲) به باور شفیعی کدکنی «دوتای از آنها ذاتی هستند یعنی مجاز و کنایه، و دوتای دیگر که تشبیه و استعاره باشند، یکی به‌عنوان وسیلهٔ معرفی‌شده، یعنی تشبیه، و دیگری به‌عنوان پاره‌ای و قسمتی از یک اصل معرفی شده و آن استعاره است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۴۶).

این مقاله مشتمل بر چهار بخش است: ۱– مقدمهٔ حاضر؛ ۲– پیشینهٔ مطالعات انجام‌شده درمورد استعاره که بررسی مهم‌ترین دستاوردها و تعاریف ادبی درمورد استعاره است؛ ۳– تحلیل داده‌ها که در آن به جمع‌آوری و تحلیلِ نمونه‌های استعارهٔ ادبی در *دیوان شعر پروین اعتصامی* و *گزیدهٔ اشعار سیلویا پلات* پرداخته شده است؛ ۵– در پایان نیز براساس تعاریف، شواهد و تحلیل‌های انجام‌شده، نتیجه‌گیری کلی به‌دست داده خواهد شد.

این مقاله با هدف بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین استعاره‌های ادبی در حوزهٔ شعر فارسی و انگلیسی تدوین شده است. ماهیت این مقاله تطبیقی است و محدودهٔ آن، استعاره‌های ادبی و حوزهٔ استخراجی داده‌ها، شعر معاصر زبان فارسی و انگلیسی است. پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارت است از: ۱– چه شباهت‌هایی بین مفهوم و نوع استعارهٔ ادبی در شعر فارسی و انگلیسی وجود دارد؟ ۲– چه تفاوت‌هایی بین مفهوم و نوع استعارهٔ ادبی در شعر فارسی و انگلیسی وجود دارد؟

۱-۱- پیشینهٔ تحقیق

بر این اساس تاکنون بلاغیون به نظریه‌پردازی و پژوهش درمورد استعاره پرداخته‌اند، اما با توجه به عنوان این پژوهش و بررسی استعاره در شعر دو شاعر فارسی و انگلیسی کار تحقیقی بدین‌صورت یافت نشد. همچنین به طور ویژه در مورد تطبیق و مقایسهٔ استعاره‌های پروین اعتصامی و سیلویا پلات نیز پژوهشی انجام نشده‌است.

۱- ۲- روش انجام پژوهش

روش پژوهش دارای ماهیتی کیفی و از نوع توصیفی تحلیلی، به صورت تطبیقی است که در آن به انجام مقایسه و مقابله برای یافتن شباهتها و تفاوتها پرداخته شده است. محدودهٔ این پژوهش شعر معاصر فارسی و انگلیسی است و از آنجا که آثار شعر فارسی و انگلیسی در این مقطع بسیار گسترده است، اشعار دو شاعر معاصر (پروین اعتصامی[1] و سیلویا پلات) جهت بررسی انتخاب شده است و سپس به استخراج استعاره‌های موجود در این آثار این دو شاعر پرداخته شده است. در دیوان پروین اعتصامی ۵۱۲ مورد از

[1] انتشارات نیک‌فرجام، ۱۳۸۷، چاپ دوم تهران.

انواع استعاره یافت شد و در گزیدهٔ اشعار سیلویا پلات ۹۵ مورد از انواع استعاره، اما به دلیل محدود بودن مقاله از آوردن تمام موارد پرهیز شده و در اینجا تنها ۲۰ مورد از آن انتخاب و آورده شده‌است.

۱- ۳- تحلیل داده‌ها

این بخش به سه قسمت تقسیم می‌شود. در بخش(۶-۱) به بررسی نمونه‌های استعارهٔ ادبی فارسی در شعر پروین اعتصامی (ذکر مثال و نوع آن) پرداخته شده است. در بخش (۶-۲) به بررسی نمونه‌های استعارهٔ ادبی انگلیسی در شعر سیلویا پلات (ذکر مثال و نوع آن) پرداخته شده است. ودر بخش(۶- ۳) به بررسی تطبیقی بین استعاره‌های بررسی شده در دو زبان می‌پردازد که شامل بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌هاست.

۱-٤- بیان مسئله

نماد از آرایه‌های هم‌نشینی است که اساس و پایهٔ آن تشبیه است و تفاوت آن با استعاره در این است که مشبه‌به به طیفی از معناها اشاره دارد. تمایزی که بین بهره‌گیری حافظ از نماد با بهره‌گیری‌های شاعران پیش از وی داشته است، علاوه بر اختراع نمادهای جدید و شخصی، در منشور معناهای یک نماد است. حافظ با نبوغ خود طیف‌های معنایی متضاد و متناقضی را به یک نماد بخشیده است و سعی در دست‌اندازی به اندیشه‌های ثابت مخاطب داشته است.

شمیسا در کتاب بیان و معانی، نماد را ذیل «استعاره‌گونه‌ها» آورده است و آن را بر دو نوع تقسیم کرده است:

«در یک شعر نمادگرای راستین، یعنی شعری که نمادهایش بر اثر کثرت کاربرد و تکرار و تقلید به اصطلاح‌گونه‌هایی کلیشه‌ای بدل نشده است، منشوری از عناصر زنده و پیوسته و وابسته به یکدیگر در برابر منشوری متحرک یعنی ذهن و درون خواننده قرار می‌گیرد. باید منتظر بود که هر مرتبه خوانش شعر یک سطحِ خاص از این منشور گردان در برابر منشور شعر قرار گیرد؛ در حالی که در خوانشی دیگر ممکن است به دلیل دگرگونی سازمان درونی سطحی دیگر جلو بیاید» (حمیدیان، ۱۳۹۰: ۵۰۷). به طور کلی ساختار نمادین کلام حافظ موجبات تأویل و تفسیر اشعار وی و همچنین نگرش‌های متفاوت و گاه متضاد به متن وی را ایجاد کرده‌اند.

تعریف استعاره و نقش آن در زیبایی کلام: استعاره یکی از زیباترین صور خیال است که نقش مهمی در ادبیات فارسی و انگلیسی دارد. تعریف‌های مختلف و نمونه‌های گوناگونی که از این کلمه در آثار متقدمان آمده، نشان می‌دهد که ایشان، همواره دربارهٔ مفهوم و حوزهٔ معنوی این کلمه، متزلزل بوده‌اند. بعضی هرگونه تشبیهی را که ادات آن حذف شده باشد، استعاره دانسته‌اند و از تعبیر ارسطو چنین دانسته می‌شود که تشبیه همان استعاره است با اندکی اختلاف (همان: ۱۰۷) و این نوع تشبیه در بلاغت انگلیسی استعارهٔ تصریحیه نام دارد. دربارهٔ رمز زیبایی و فلسفهٔ تأثیر استعاره که سخنوران اروپایی آن را «ملکهٔ تشبیهات مجازی» خوانده‌اند، قدیم‌ترین کسی که به تحقیق و دقّت پرداخته ارسطو است. استعاره آن است که چیزی را به نامی بخوانیم که آن نام در اصل به چیز دیگری تعلق دارد. به اعتقاد ارسطو، تشبیه و ساخت تشبیهی با شعر عجین است و استعاره بیشتر برای نثر مناسب است. (افراشی،۱۳۸۳: ۱۳-۱۴) تعریف ارسطو از استعاره از زمان خودش تاکنون در میان بلاغیون اسلامی فارسی و عربی و همچنین بلاغیون غربی رایج بوده و همواره اساس تعاریف و تحقیقات آنان درمورد استعاره بوده است. ارسطو می‌گوید آنچه در بیشتر عبارت‌های بلاغی انگیزهٔ مسرت است، منشأ آن استعاره Metaphor است و مقداری ابهام و پیچیدگی، که مخاطب بعداً آن را درمی‌یابد؛ زیرا در آغاز چنان می‌پندارد که چیز تازه‌ای را دریافته و احساس می‌کند که موضوع سخن با آنچه انتظار آن را داشت اختلاف بسیار دارد. (همان: ۱۱۱) بر این اساس واژهٔ Metaphor واژه‌ای یونانی به معنی فرم است از دو جز تشکیل شده meta (فرا) و pherein (بردن) به معنی جا به جا کردن چیزی از مکانی به مکان دیگر (هاوکس،۱۳۸۰: ۱۱) که مانند پل است برای

عبور از یک معنای مجازی به معنای دیگر. اساس Metaphor تشبیه است به گونه‌ای که از ارکان آن یک یا دو رکن مانده باشد؛ البتّه در فارسی فقط باید یک رکن مشبّه یا مشبّهٌبه برجای بماند تا استعاره محسوب شود. پس آنچه که باعث تمایز زبان مجازی و عاطفی Emotive Language از زبان ارجاعی Referential Language می‌شود، استفاده از صور خیال و به ویژه استعاره است. زبان عاطفی زبان ادبیات است که با آن احساسات و عواطف را منتقل می‌کنند، به عبارتی زبان ادبی انفسی است که با زبان عاطفی مؤثر در دل‌ها نفوذ می‌کند، با اغراق همراه است و بر یکی از دو جهت خوب یا بد تکیه دارد. (شمیسا،۱۳۸۱: ۲۳۳) استعاره در فارسی نیز یکی از مهم‌ترین و خیال‌انگیزترین عناصر خیال است. استعاره در لغت مصدر باب استفعال است، یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری. زیرا شاعر در استعاره، واژه‌ای را به علاقهٔ مشابهت به‌جای واژهٔ دیگری به کار می‌برد. مهم‌ترین نوع مجاز، مجاز به علاقهٔ مشابهت است که به آن استعاره می‌گویند. (شمیسا،۱۳۸۱: ۵۷) استعاره را از تشبیه نیز می‌توان بیرون آورد، بدین ترتیب که از جملهٔ تشبیهی، مشبّه و وجه‌شبه و ادات تشبیه را حذف کنیم به نحوی که فقط مشبّهٌبه باقی بماند، به این مشبّهٌبه استعاره می‌گویند. (همان) استعاره و تشبیه ماهیتی یکسان دارند، در حقیقت استعاره تشبیه فشرده است. منتهی در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای یکسانی و این همانی (همان) به نظر ریچاردز شعر عالی‌ترین صورت عاطفی است. پذیرش سخن در شعر با تصدیق جملات عاطفی متفاوت است. (همان: ۲۳۴) بدیهی است که زبان عاطفی گاهی در گفتار عادی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و از صور خیال و استعاره نیز در آن استفاده می‌شود، اما آنچه در اینجا مدنظر است، مصداق آن در شعر فارسی و انگلیسی است. البته «خود شعر نیز ازنظر استفاده از این زبان مراتبی دارد. در برخی از شعرها زبان سر راست‌تر است و برخوردها نسبت‌به اشعار دیگر کمتر عاطفی است» (همان: ۲۳۴). هرچه زبان شعر سر راست‌تر باشد به زبان ارجاعی نزدیک‌تر است و استفاده از صور خیال و استعاره در آن کمتر است.

پروین اعتصامی ازجمله شاعران معاصر است که استعاره در دیوان شعری او بررسی شده‌است. زبان شعری او زبان پند و اندرز و نشان دادن مکارم اخلاق و تعریف حقیقت دنیاست و بیشتر قطعات به طرز سؤال و جواب یا مناظره بسته شده و گویا این شیوه از قدیم‌الایام خاصّ ادبیات شمال و غرب ایران بوده و در آثار پهلوی قبل از اسلام هم مناظرات دیده می‌شود. (اعتصامی،۱۳۸۷: ۱۱) بر این اساس زبان شعری او خالی از تکلّف است و استفاده از استعاره در آن چندان دیده نمی‌شود، و به‌خاطر نوع زبان محاوره‌ای که برای انجام مکلمات در مناظراتش به‌کار گرفته است، بیشترین نوع استعاره‌های به کار گرفته شده، استعارهٔ مکنیه بوده است. سیلویا پلات شاعر دیگری است که در این مقاله به بررسی اشعارش از نظر استعاره‌های ادبی پرداخته شده است. سیلویا پلات در دههٔ سی، یعنی دو دهه بعد از جنگ اول جهانی به دنیا آمد و کمی بیشتر از یک دهه بعد از جنگ جهانی دوم، دست به خودکشی زد. موضوعاتی که وی در اشعار خود منعکس می‌کند از سیاست و جنگ و بیهودگی فلسفی تا مرگ و بسیار مسائل دیگر را دربر می‌گیرد. (پلات،۱۳۸۶: ۹) چند شعر از سیلویا پلات در کتاب «*سرود مرغ آتش*»[1] نقد شده است که اساس کار نگارنده در این مقاله بوده‌است.

۲– بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- استعاره‌های ادبی دیوان پروین اعتصامی

(عدد داخل پرانتز در پایان هر بیت نشان دهندهٔ شماره صفحهٔ بیت است.)

کم دهدت گیتی بسیار دان به که بسنجی کم و بسیار را (۲۱)

[1] زندگی و نقد آثار سیلویا پلات به همراه اشعار و ترجمهٔ آنها /تألیف و ترجمه رفیه قنبرعلی‌زاده.

در این بیت استعاره در لفظ «گیتی» است.«گیتی» در نفس خود به انسانی تشبیه شده است که بخشش می‌کند. ذکر مشبّه و حذف مشبّهٌبه در جمله استعارهٔ مکنیه را شکل می‌دهد.

دست هنر چید نه دست هوس میوهٔ این شاخ نگونسار را (۲۲)

«دست هنر»: اضافهٔ استعاری است. ضمن اینکه می‌توان گفت «هنر» به انسانی تشبیه شده است که دست دارد و میوه می‌چیند. همچنین «هوس» نیز به در نفس خود به انسانی تشبیه شده که این کار را انجام نمی‌دهد. «شاخ نگونسار»: استعاره از روزگار و آسمان است. آسمان مشبه است و شاخ نگونسار مشبّهٌبه. ذکر مشبّهٌبه در جمله و حذف سایر ارکان استعارهٔ مصرحه است. اما چون ملازمات مشبّهٌبه برای آن آمده است، استعاره مصرحهٔ مرشّحه است.

در پرده، صد هزار سیه‌کاریست۱ این تند سِیر گنبد خضرا را (۱۹)

«گنبد خضرا» دارای استعاره است و استعاره از آسمان است. آسمان به گنبد سبز رنگ تشبیه شده است که تند می‌چرخد. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مرشّحه است.

سمند تو زی پرتگاه از چه پوید ببین تا به دست که دادی عنان را (۲۲)

لفظ «سمند» دارای استعارهٔ مفرده است و استعاره از عمر است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است. «پرتگاه» استعاره از دنیاست. دنیا به پرتگاهی تشبیه شده است که میل بدان و رفتن به سوی آن هلاک و نابودی انسان را در پی دارد. استعارهٔ مصرحه مرشحه است زیرا مشبّه‌به همراه ملازمات آن ذکر شده است. فعل پوییدن استعارهٔ تبعیه است.

اگر زین خاکدان تیره بر پری بینی که گردونها و گیتی‌هاست ملک آن جهانی را (۲۳)

«خاکدان تیره» استعاره از این دنیای خاکی است. که پشت پا زدن به آن باعث تعالی و بلند مرتبگی انسان است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه و مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مطلقه است.

ماش خندید و گفت غرّه مشو زانکه چون من فزون چون تو بسی است (۱۳۳)

«ماش» استعارهٔ کنایی است. زیرا در نفس خود به انسان تشبیه شده است که قادر به خندیدن و سخن گفتن است. ذکر مشبّه با ملازمات مشبّهٌبه استعارهٔ مکنیهٔ تخیلییه است. فعل خندیدن و گفتن برای ماش استعارهٔ تبعیه است.

بزرگانی که بر شالودهٔ جان ساختند ایوان خریداری نکردند این سرای استخوانی را (۲۴)

«سرای استخوانی» استعاره از جسم است. جسم خاکی به سرا تشبیه شده است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه و مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مطلقه است. جامع آن خشکی است.

شمشیرهاست آخته زین نیلگون نیام خونابه‌ها نهفته درین کهنه ساغر است (۳۱)

«نیلگون نیام» استعاره از آسمان است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه (نیلگون) و مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مطلقه است. جامع آن رنگ آبی است.«کهنه ساغر» استعاره از دنیا است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه استعارهٔ مصرحهٔ مجرده است.

همواره دید و نگشت تیره، این چه دیده‌ایست۲

پیوسته کُشت و کُند نگشت این چه خنجر است (۳۱)

«دیده» استعاره از دنیا است. دنیا به چشمی تشبیه شده است که با اینکه عمر زیادی از آن می‌گذرد و دوران مختلفی را دیده است، ولی همچنان روشن و بیناست. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات خود استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است. جامع آن دیدن است. «خنجر» استعاره از دنیا است. ذکر مشبّه‌به با ملازماتش استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است. جامع آن کشتن است. فعل دید استعارهٔ تبعیه است.

نهفته در پس این لاجوردگون خیمه هزار شعبده‌بازی، هزار عیّاریست (۴۲)

---

[1] سیه‌کار بودن: استعاره مکنیه برای گنبد خضراست.

[2] فعل دیدن برای خود دیده هم می‌تواند باشد، ولی با توجه به مفهوم کل ابیات معنی استعاری آن دریافته می‌شود.

«لاجوردگون خیمه» استعاره از آسمان است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه (لاجوردگون) و مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مطلقه است. جامع در آ رنگ آبی است.

ایمن چه نشینی در این سفینه کاین بحر، همیشه در انقلاب است (۳۸)

«سفینه» استعاره از دنیاست. در مصرع اول دنیا به کشتی‌ای تشبیه شده است که به‌خاطر دگرگونی‌هایی که در دریا وجود دارد ثبات و آرام ندارد و مدام در حال دگرگونی است. در بیت دوم «بحر» استعاره از دنیا است و ثبات ندارد و دمی آرام نیست. هر دو استعاره به دلیل ذکر مشبّهٌبه و ملازمات آن مصرحهٔ مرشّحه‌اند.

نفس بسی وام گرفت و نداد وام تو چون باز دهد؟ بینواست (۳۲)

لفظ «نفس» استعاره دارد. نفس در «نفس» خود به انسانی تشبیه شده است که وام می‌گیرد و توان پس دادن آن را ندارد. ذکر مشبه با ملازمات مشبهٌبه استعارهٔ مکنیه تخییلیه است.

اندرین پرتگه بی‌پایان هیچ‌کس مرکب راهوار نداشت (۴۷)

«پرتگه بی‌پایان» استعاره از دنیاست. ذکر مشبهٌبه با ملازمات آن استعارهٔ مصرحهٔ مرشّحه است. جامع آن پرخطر بودن است.

دام فریب و کید درین دشت گر نبود این قصر کهنه سقف جواهر نشان نداشت (۴۸)

«دشت» استعاره از دنیاست. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات آن استعارهٔ مصرحهٔ مرشّحه است. دنیا به دشت تشبیه شده است که پر از دام‌های گسترده است که انسان را می‌فریبد و اسیر می‌کند. قصر کهنه نیز به این صورت است. جامع آن عمر طولانی است. «سقف جواهر نشان» استعاره از آسمان است. جواهر نشان استعاره از ستارگان است. آسمان به سقفی بر فراز زمین تشبیه شده است که با ستارگان زینت داده شده است.

این سبک خنگ بی‌آسایش بی‌پا تازد وین گران کشتی بی‌رهبر و لنگر گردد (۵۲)

«سبک خنگ» استعاره از دنیا است. دنیا به اسبی که پا ندارد، تشبیه شده است (اشاره به گرد بودن زمین) لفظ «بی‌آسایش» نیز اشاره به گردش مداوم و بی‌وقفهٔ زمین است. ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبه و مشبهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مطلقه است. «گران کشتی» استعاره از دنیا است. ذکر مشبّهٌبه با ملازماتش استعارهٔ مصرحهٔ مرشّحه است. جامع آن رفتن هدایت نشده است.

بکاهند گر دیده و دل ز آز بسا نرخها را که ارزان کنند (۵۸)

«دیده» و«دل» هر دو استعارهٔ کنایی‌اند؛ زیرا هر دو در نفس خود به انسان تشبیه شده‌اند. ذکر مشبّه با ملازمات مشبّهٌبه استعارهٔ مکنیه تخییلیه است.

کارها بود در این کارگه اخضر لیک دوک تو نگردید از این بهتر (۶۴)

«کارگه اخضر» استعاره از آسمان است. ذکر مشّبه‌به با ملازمات مشبّه (اخضر) استعارهٔ مصرحهٔ مجرده است. در بیت دوم «دوک گرداندن» استعاره از عمل انسان در این دنیا است. اگر دوک در نظر گرفته شود ذکر آن با ملازمات مشبّهٌبه استعارهٔ مصرحهٔ مرشّحه است. و اگر صورت فعلی آن یعنی گردیدن در نظر گرفته شود استعارهٔ تبعیه است.

به نگردد دگر آزردهٔ این پیکان برنخیزد دگر افتادهٔ این خنجر (۶۴)

«پیکان» استعاره از دنیا است. ذکر مشبهٌبه با ملازمات مشبه‌به استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است. در بیت دوم «خنجر» استعاره دنیا است. ذکر مشبهٌبه با ملازمات آن استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است.

نیش این مار هر آن‌کس که خورد میرَد و آنکه او مُرد کجا زنده شود دیگر (۶۶)

«مار» استعاره از دنیا است. ذکر مشبهٌبه با ملازماتش استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه است. جامع آن مهلک بودن است.

هر چه کشتی، ملخ و مور به یغما بُرد وین چنین خشک شد این مزرعهٔ اخضر (۶۸)

«کشت» استعاره از اعمال و زحمات انسان در این دنیا است. در بیت دوم، اعمال انسان به مزرعه تشبیه شده است که انسان در آن به کار و زحمت می‌پردازد. «به یغما بردن» می‌تواند استعاره باشد از تباه شدن اعمال نیک با انجام اعمال بد باشد و استعارهٔ تبعیه است.

۲-۲- استعاره‌های ادبی در اشعار سیلویا پلات

در این بخش به ذکر و بررسی ۲۰ مورد انتخاب شده از ۹۵ مورد استعارهٔ یافته و بررسی شده در گزیدهٔ اشعار سیلویا پلات پرداخته شده است. علامت p در پایان هر بیت نشانگر صفحهٔ بیت در کتاب مورد ذکر است.

1- over The weedy acres of your brow. (P.79)

بر علفزار گسترده چهره‌ات.

"Brow" استعاره دارد. ذکر "brow" tenor و"weedy acres" vehicle در جمله Explicit Metaphor است.

2- to dredge the silt from your throat. (P.79)

گل و لای از گلویت بیرون می‌کشم.

"Silt" استعاره است. ذکرvehicle به تنهایی در جمله implicit metaphor است.

3- Mouthpiece of the dead, or of some god or other. (P.79)

سخنگوی مردگان یا یک خدا یا چیزی دیگر.

سخنگوی مردگان و یک خدا استعاره از The Clossus ابرتندیس است که عنوان شعر است. ذکر vehicle به تنهایی در جمله implicit metaphor است.

4- The bald, white tumuli of your eyes. (P.79)

گور پشته‌های سفید برهوت چشمانت را.

چشمها به گور پشتهٔ سفید تشبیه شده است. ذکرtenor و vehicle هر دو در جمله Explicit Metaphor است.

5 - I open my lunch on a hill of black cypress. (P.81)

سفره‌ام را بر تپهٔ سروهای سیاه می‌گشایم.

تمام جمله استعاره است. Vehicle تنها در جمله ذکر شده است.

Implicit Metaphor است.

6 - Shifting my clarities. (p.83)

شفافیت‌هایم را جابه‌جا می‌کنم.

"Clarities" استعاره است . ذکرVehicle تنها در جمله Implicit Metaphor است.

7- Rise, with her cancerou. (P.85)

با رنگ‌پریدگی‌های سرطانی‌اش طلوع می‌کند.

رنگ زرد استعاره است و این شخص در نفس خود به خورشید تشبیه شده است. ذکر Vehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

8- Lord of the mirrors.(P.85)

سرور آینه‌ها!

"Lord" برای آینه استعاره گرفته شده است. ذکر Vehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

9 – Of air that all day flies. (P. 87)

هوایی را که سراسر روز به پرواز درمی‌آورد.

"Air" استعاره است. در نفس خود به پرنده تشبیه شده است که پرواز می‌کند. Flies استعاره تبعیه است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

10 - Doll he gurads like a heart – The lioness, (p.87)

عروسک کوچک جواهرنشانی که چون قلبش از آن محافظت می‌کند – شیرزن را

"Doll" و"The lioness" استعاره از زن است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

11-The grave cave ate will be. (p.89)

که در غار قبر فرسود

قبر به غار تشبیه شده است. ذکر tenor و vehicle هر دو در جمله Explicit Metaphor است.

12-The first time it happened I was ten. It was an accident. (p.91)

اولین بار که رخ داد، ده (ساله) بودم. تصادفی بود.

"Accident" استعاره است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

13 -Marble – heavy, a bag full of God, (p.97)

به سنگینی مرمر، یک کیسه پر از خدا،

"A bag full of god" استعاره است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

14 -Bit my pretty red heart in two. (p.103)

قلب قشنگ قرمزم را گاز زد و دو تکه کرد.

"Heart" استعاره است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

15 -A cleft in your chin instead of your foot

But no less a devil for that, no not (p.103)

به جای پایت در چانه‌ات شکافی داری اما به‌خاطر آن کمتر از شیطان نیستی،

"Devil" استعاره است. ذکر Vehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

16 -I saw death in the bare trees, a deprivation. (p.107)

من مرگ را در درختان عریان دیدم، یک محرومیت.

"The bare trees" استعاره است. ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

17 -When I walk out, I am a great event. (p.107)

وقتی به بیرون قدم می‌گذارم رویدادی سترگم.

"Great even" استعاره است. شاعر خود را به حادثه‌ای بزرگ تشبیه کرده است. ذکر tenor و vehicle هر دو در جمله Explicit Metaphor است.

18 -When I first saw it, the small red seep, I did not believe it. (p.107)

وقتی که اول دیدمش تراوش قرمز کوچک را، باورش نکردم.

"the small red seep" استعاره است . ذکرVehicle به تنهایی در جمله Implicit Metaphor است.

19 -The silver track of time empties into the distance, trains roar in my ears(p.109)

قطارها در گوشم می‌غرّند، رد نقره‌ای زمان در دور دست تهی می‌شود.

"The silver track" استعاره است. زمان به قطار تشبیه شده است. ذکر tenor و vehicle هر دو در جمله Explicit Metaphor است.

20 - this is a disease I carry home, this is a death. (p.109)

این مرضی است که به خانه می‌برم، این یک مرگ است.

"Death" استعاره است. مرگ به بیماری تشبیه شده است. ذکر tenorو vehicle هر دو در جمله Explicit Metaphor است. carry استعارهٔ تبعیه است.

۲-۳- تطبیق استعاره‌های بررسی‌شده در شعر پروین اعتصامی و سیلویا پلات

با توجه به تعریف و نمونه‌های فوق در این بخش به مقایسهٔ استعاره‌ها پرداخته می‌شود. اولین شباهتی که بین آن‌ها دیده می‌شود، می‌توان به تقسیم‌بندی و نام‌گذاری‌ها اشاره کرد که هم دارای تفاوت و هم دارای شباهت است. همان طور که دیده می‌شود، استعاره‌های ادبی انگلیسی چنین تقسیم‌بندی شده است: implicit metaphor و explicit metaphor استعاره‌های ادبی فارسی دارای تقسیم‌بندی استعارهٔ مصرحه و مکنیه است، که در چند فرهنگ ادبی استعارهٔ مصرحه را برابر با implicit metaphor گرفته‌اند. (داد،۱۳۸۳: ۳۳ و ایبرامز،۱۳۸۴: ۱۲۳) زیرا implicit به معنای تلویحی است. در فارسی معادل هر دو استعارهٔ مکنیه و مصرحه قرار می‌گیرد، چنان‌که در فارسی ذکر مشبّه با ادات مشبّهٌبه را استعاره مکنیه می‌نامند. در مقابل آن استعارهٔ مصرحه است که ساختار آن برعکس استعارهٔ مکنیه است یعنی ذکر مشبّهٌبه و ادات مشبه. بر این اساس این تعریف شامل استعارهٔ مکنیه در فارسی نیز می‌شود. مانند «چو رنگ از رُخ روز پرواز کرد». (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۳۱) در این مورد جاندارانگاری استعارهٔ مکنیهٔ تخیلییه است، امّا تشخیص نیست. پس به عبارتی هرگاه از ارکان استعاره تنها مشبّه ذکر شود با تشخیص روبه‌رو هستیم و تشخیص استعارهٔ مکنیه است؛ چون مشبّهٌبه آن پنهان است. استعارهٔ مکنیه حتماً لفظ تخیلییه را نیز به دنبال دارد، چون تخیل انسان را برمی‌انگیزد. امّا در بلاغت انگلیسی تشخیص از انواع استعاره به شمار نیامده و خود در مبحثی جداگانه با عنوان personification بررسی و مطالعه می‌شود. (پرین،۱۳۷۹: ۵۹) استعارهٔ ادبی فارسی چهار رکن دارد. اصطلاحات مربوط به استعاره را –که در حقیقت همان تشبیه است– تعویض کرده‌اند چون اساس استعاره در فارسی بر تشبیه است. البته در فارسی بر اساس تشبیه و مجاز است، نه فقط تشبیه، پس ارکانش همان ارکان تشبیه است، که عبارت‌اند از مشبّه یا مستعارٌله، مشبّهٌبه یا مستعارٌمنه، لفظ استعاره یا مستعار و وجه شبه یا جامع. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۹) اما استعارهٔ انگلیسی که آن هم به مانند استعارهٔ فارسی اساسش بر تشبیه استوار است، تنها از دو رکن تشکیل می‌یابد. دو رکن اصلی استعارهٔ انگلیسی عبارت‌اند از: جزء حقیقی اصلی (tenor) و جزء ثانوی مجازی (vehicle). (کادن،۱۳۸۰: ۲۴۱) در استعارهٔ "devilish leopard!" "Devilish " مستعارٌله (در تشبیه ، مشبه) و "Leopard" مستعارٌمنه (در تشبیه ، مشبهٌبه) است. به‌عبارتی پلنگ به اهریمن تشبیه شده است (پلات،۱۳۸۶: ۱۶۱) همان‌گونه که می‌بینیم بر جامع تأکید نشده است و لفظی معادل آن در استعارهٔ انگلیسی نمی‌بینیم. برای لفظ استعاره یا مستعار نیز جایگاهی در ارکان استعارهٔ انگلیسی وجود ندارد. استعارهٔ فارسی با جزئی‌نگری فراوان و دقّت در عمق اجزا تقسیم‌بندی شده است. این تقسیم‌بندی‌ها از گذشته‌های دور تاکنون ادامه یافته است و به قول شفیعی کدکنی این تقسیم‌بندی‌ها اگرچه به جای خود ارزشمند است، اما هیچ کمکی برای گسترش صور خیال شاعرانه، انجام نمی‌دهد. قدما بی‌آنکه به وظیفه و نقش هر چیز اهمیت بدهند، دربارهٔ انواع و صورت‌های گوناگون آن تا جایی که توانسته‌اند به دقت و جست‌وجو پرداخته‌اند. (شفیعی‌کدکنی،۱۳۷۲: ۱۱۴). از دیگر شباهت‌هایی که دیده می‌شود، استعاره در فعل وصفت است. (ایبرامز،۱۳۸۴: ۱۲۴ و آقاحسینی وآقازینالی،۱۳۸۶: ۵۱) مانند (شکستن break در این مصرع ۱I am a seed about to break. (پلات،۱۳۸۶: ۱۱۵) که استعاره در فعل یا استعارهٔ تبعیه است و در شعر پروین نیز نمونه‌های فراوانی از آن می‌بینیم، مانند: دیدن در جملهٔ زیر:

همواره دید و نگشت تیره، این چه دیده‌ایست. (اعتصامی،۱۳۸۷: ۳۱)

اما درمورد تفاوت‌هایی که در میان استعاره‌های شعر پروین و سیلویا پلات وجود دارد، بارزترین آن استعاره دانستن مواردی است که در آن مشبّه و مشبّهٌبه هردو ذکر شده‌اند، در شعر انگلیسی است، که در فارسی علمای علم بلاغت به سبب وجود دو رکن اصلی مشبّه و مشبّهٌبه آن را تشبیه نامیده‌اند و با قید مؤکد آن را در شمار یکی از انواع تشبیه آورده‌اند. (پورنامداریان،۱۳۸۶: ۳۳) مانند: I am a garden of black and red agonies (پلات،۱۳۸۶: ۱۱۹) در تشبیهی که ادات ذکر نشود آن تشبیه را تشبیه بالکنایه یا

[1] دانه‌ای در حال شکفتن هستم.

محذوف‌الادات یا مؤکد گویند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۵)، حال آنکه در بلاغت انگلیسی به آن explicit metaphor می‌گویند؛ چرا که در آن دو طرف تشبیه ذکر می‌شود و معادل استعارهٔ صریح می‌دانند. (آقاحسینی و آقازینالی،۱۳۸۶: ۶۷) بر این اساس استعارهٔ صریح انگلیسی در شمار تشبیهات فارسی است و implicit metaphor یا استعارهٔ تلویحی انگلیسی شامل دو نوع استعارهٔ مکنیه و تصریحیهٔ فارسی می‌شود. تفاوت بارز دیگری که وجود دارد extended metaphor یا استعاره‌های گسترش یافته در اشعار انگلیسی است مانند نمونهٔ زیر:

one cry. It is the hook I hang on.1
And I am a river of milk.
I am a warm hill.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این شعر یک مشبّه در نظر گرفته شده و در کل شعرگسترش داده شده‌است. این نوع استعاره در تقسیم‌بندی استعارهٔ فارسی دیده نمی‌شود، ولی در تقسیمات تشبیه تشبیهی به نام "تشبیه جمع تعریف و نام‌گذاری شده است. می‌توان تشبیه جمع را دارای چنین کاربرد متشابهی در میان تشبیهات دانست. تعریف تشبیه جمع از منظر بلاغیون چنین است: «عبارت است از اینکه برای یک مشبّه، چند مشبّهٌبه می‌آورند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۸). البته در یک بیت نه در کل ابیات یک شعر.

۴- نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بررسی استعاره و metaphor در شعر این دو شاعر فارسی و انگلیسی می‌توان گفت: استعاره در شعر این دو از بسیاری جهات به هم شباهت دارد. استنباطی که در فارسی از استعاره می‌شود، به استنباط حاصل از metaphor در انگلیسی بسیار نزدیک است. البتّه تفاوت‌هایی نیز در انواع آن و تقسیم‌بندی‌های آن وجود دارد. بارزترین تشابه آن دو در تعریف و اساس آن‌هاست؛ چراکه هردو براساس تشبیه بنا نهاده شده‌اند. البته در فارسی استعاره براساس مجاز و تشبیه است. انواع استعاره در انگلیسی: explicit metaphor و implicit metaphor است،explicit metaphor که در آن دو طرف تشبیه ذکر می‌شود، در بلاغت انگلیسی استعارهٔ صریح است، اما در بلاغت فارسی به دلیل ذکر شدن دو رکن استعاره در شمار تقسیمات تشبیه قرار گرفته است، و تشبیه مؤکد نام دارد. نوع دیگر استعارهٔ تلویحی یا implicit metaphor است که در فارسی و شعر پروین، معادل استعارهٔ مصرحه و گاهی مکنیه گرفته شده است. در آن یک طرف استعاره با ملازمات طرف دیگر ذکر می‌شود. این در حالی است که استعارهٔ مصرحه و مکنیه در فارسی هر کدام دارای تعریف و تقسیم‌بندی متمایزند. استعارهٔ مکنیه به نوعی از استعاره اطلاق می‌شود که از ارکان استعاره، مشبه با ملازمات مشبّهٌبه ذکر شود، که مباحث تشخیص و جاندار پنداری را نیز شامل می‌شود و این نوع استعاره در شعر پروین کاربرد فراوان دارد؛ چرا که شعر پروین مبتنی بر مناظره است و اساس مناظراتش بر تشخیص و جاندارانگاری است. اما استعارهٔ مصرحه نوعی از استعاره است که مشبهٌبه ذکر شود با ملازمات مشبّه. این نوع استعاره خود دارای انواعی است: استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه (ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّهٌبه)، مصرحهٔ مطلقه (ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه و مشبّهٌبه)، مصرحهٔ مجرده (ذکر مشبّهٌبه با ملازمات مشبّه) که در بلاغت انگلیسی هیچ‌کدام از این تقسیم‌بندی‌ها دیده نمی‌شود. اما در بلاغت انگلیسی نیز نمونه‌های جالبی از انواع استعاره وجود دارد، که در فارسی هرچند کاربردهای فراوانی از آن در شعر و ادب فارسی به چشم می‌خورد، اما در تقسیم‌بندی و نام‌گذاری در شمار انواع استعاره جایگاهی ندارد و شاید هنوز توجه اهل بلاغت فارسی زبان را به عنوان استعاره جلب نکرده باشد، از جمله استعاره های گسترش یافته[2] و مختلط. شباهت دیگری که بین استعاره و metaphor دیده می‌شود استعاره گرفتن فعل و صفت در هر دو زبان است که به صورت کاملاً همسان وجود دارد.

---

[1] یک فریاد. این قلابی است که به آن می‌آویزم/ و من رودی از شیر هستم/ من تپه‌ای گرمم.

[2] Extended Metaphor

پس از بررسی وجوه تشابه و تمایز استعاره و کاربرد آن در انگلیسی و فارسی تفاوت‌ها و تشابهات ذکر شده به‌دست آمد، که می‌توان گفت: وجوه تشابه و تمایز استعاره‌های ادبی در شعر فارسی و انگلیسی تقریباً به یک میزان است. یعنی به همان میزان که این دو با هم شباهت دارند، تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد. تقسیم‌بندی‌ها و دقت‌نظر در تعیین حدود این نام‌گذاری‌ها را در استعارهٔ فارسی می‌توان به جزءنگری بلاغیون فارسی نسبت داد. اما این دقت و جزءنگری در تعاریف و تعیین مرزها در انگلیسی وجود ندارد، که می‌توان آن را به بینش حاکم بر آن نسبت داد.

منابع

آبرامز، مایرهوارد و هارپهام، جفری گلت، (۱۳۸۳) ***فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی***، ترجمهٔ سعید سبزیان مرادآبادی، تهران: نشر راهنما.

آقاحسینی، حسین و آقازینالی، زهرا، (۱۳۸۶)، «مقایسهٔ اجمالی صور خیال در بلاغت فارسی و انگلیسی»، ***نشریهٔ گوهر گویا***، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، صص. ۴۹-۷۷.

اعتصامی، پروین، (۱۳۸۷)، ***دیوان کامل اشعار***، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیک‌فرجام.

افراشی، آزیتا، (۱۳۸۳)، «نگاهی به تاریخچهٔ استعاره»، ***استعاره: مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی***، ترجمهٔ فرهاد ساسانی، تهران: سورهٔ مهر.

پراین، لارنس، (۱۳۷۹)، ***ادبیات انگلیسی: عناصر شعر***، ترجمهٔ مژگان حسن‌زاده و حسن سلیمانی، قم: بخشایش.

برت، آر.ال، (۱۳۸۶) ***تخیل***، ترجمهٔ مسعود جعفری جزی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

پلات، سیلویا، (۱۳۸۶)، ***سرود مرغ آتش (زندگی و نقد آثار سیلویا پلات به همراه اشعار و ترجمهٔ آنها)***، گردآوری و ترجمهٔ رقیه قنبرعلی‌زاده، تهران: نشر گل‌آذین.

پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۶)، ***رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی***، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

داد، سیما، (۱۳۸۳)، ***فرهنگ اصطلاحات ادبی***، چاپ دوم، تهران: نشر مروارید.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، ***صور خیال در شعر فارسی***، چاپ پنجم، تهران: نشر آگه.

شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱) ***بیان و معانی***، چاپ هفتم، تهران: نشر فردوس.

کادن، جی.ای، (۱۳۸۰)، ***فرهنگ ادبیات و نقد***، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، قم: شادگان.

پیوست

جدول شماره (۱)برگزیدهٔ استعاره‌های ادبی دیوان پروین اعتصامی

	مستعار (مشبه)	مستعارٌمنه (مشبهٌبه)	جامع	نوع استعاره
۱	گیتی	انسان	دانایی	بالکنایه
۲	آسمان	شاخ نگونسار	شکل مدور	مصرحّه مرشحه
۳	آسمان	گنبد خضرا	شکل گرد	مصرحّه مرشحه
۴	عمر پرتگاه	سمند دنیا	شتاب در رفتن هلاک کردن	مصرحّه مرشحه مصرّحه مرشحه

۵	خاکدان تیره	دنیا	کدورت و پستی	مصرحه مطلقه
۶	ماش	انسان	خندیدن–گفتن	مکنیه تخیلییه
۷	جسم	سرای استخوانی	خشکی	مصرحه مطلقه
۸	آسمان دنیا	نیلگون نیام کهنه ساغر	رنگ خونین بودن	مصرحه مطلقه مصرحه مجرده
۹	دنیا دنیا	دیده خنجر	دیدن کشتن	مصرحه مرشحه مصرحه مرشحه
۱۰	آسمان	خیمه	رنگ	مصرحه مطلقه
۱۱	دنیا دنیا	سفینه بحر	ناآرام دگرگونی	مصرحه مرشحه مصرحه مرشحه
۱۲	نفس	انسان	وام گرفتن	مکنیه
۱۳	دنیا	پرتگاه	خطرناک	مصرحه مرشحه
۱۴	دنیا دنیا آسمان	دشت کهنه قصر سقف	فریبنده عمر درخشندگی	مصرحه مطلقه مصرحه مطلقه مصرحه مرشحه
۱۵	دنیا دنیا	اسب تندرو کشتی بزرگ	گردش و گذر سریع رفتن بی‌قاعده	مصرحه مطلقه مصرحه مرشحه
۱۶	دیده و دل	انسان	آزمندی	مکنیه تخیلییه
۱۷	دنیا دوک	کارگاه سبز عمل انسان	محل انجام کار انجام کار	مصرحه مجرده مصرحه مرشحه
۱۸	دنیا روزگار	پیکان خنجر	کشتن هلاک انسان‌ها	مصرحه مرشحه مصرحه مرشحه
۱۹	دنیا	مار	مهلک	مصرحه مرشحه
۲۰	زحمت کارهایت	کشت مزرعه	رنج بیهوده از بین رفتن	مصرحه مرشحه مصرحه مرشحه

جدول (۲) برگزیدهٔ استعاره‌های ادبی گزیدهٔ اشعار سیلویا پلات

	Tenor	vehicle	Kind of metaphor
1	brow	The weedy	Explicit
2	throat	place	Implicit
3	daddy	Some god	Implicit
4	your eyes	white tumuli	Implicit
5	life	Black cypress	Implicit
6	clarities	thing	Implicit
7	sun	human	Implicit
8	mirrors	human	Implicit
9	air	beard	Implicit
10	The lioness	doll	Implicit
11	grave	cave	Explicit
12	I	year	Implicit
13	daddy	a bag full of God	Implicit
14	heart	thing	Implicit
15	daddy	devil	Implicit
16	No leave	deprivation	Implicit
17	I	great event	Explicit
18	blood	the small red seep	Implicit
19	time	trains	Explicit
20	death	disease	Explicit
21	Sheets in room	Snow worlds	Explicit
22	These men	jealous gods	Implicit
23	minute	Yellow leaves	Explicit
24	I	seed	Explicit
25	I	shell	Explicit
26	I	a mountain	Explicit
27	I	garden	Explicit
28	baby	small images	Implicit
29	woman	Cry-river-hill	Extended
30	baby	Island	Implicit
31	mind	moon	Implicit
32	moon	face	Explicit
33	Words	horse	Implicit
34	I	cargo boat	Explicit
35	I	nun	Explicit
36	tulips	Bowl of red bloom	Implicit
37	spark	cries	Implicit
38	leopard	devil	Explicit
39	mind	Moon- gold beaten….	Extended
40	hive	Tea cup	Explicit